

ما و روس ها؛ فرصت های بی سابقه همگرایی

ایران و روسیه اکنون بیش از هر زمانی در تاریخ روابط دو کشور، زمینه ها و فصل های مشترکی را برای همگرایی در ارتباط با مسائل متعدد منطقه ای و بین المللی دارند...



ایران و روسیه اکنون بیش از هر زمانی در تاریخ روابط دو کشور، زمینه ها و فصل های مشترکی را برای همگرایی در ارتباط با مسائل متعدد منطقه ای و بین المللی دارند؛ موضوعاتی مانند تحریم های تحمیلی غرب، رقابت منطقه ای بین قدرت ها، همکاری های هسته ای تهران و مسکو، برخورد با جریان های تروریستی و همچنین اختلاف با غرب در خوانش مسائل حقوق بشر.

حدود یک سال پیش، هوبرت زایبل مستندساز آلمانی در مصاحبه با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه نکته ای را گفت که پوتین را شدیداً به خنده انداخت.

زایبل به پوتین در مصاحبه ای تلویزیونی گفت: ناتو می گوید که نصب سپر دفاع موشکی در اروپا علیه روسیه نیست بلکه برای مقابله با موشک های ایران است.

رئیس جمهور روسیه در مقابل چشمان کنجکاو مستندساز آلمانی یکباره به مدت چند ثانیه با صدای بلند خندید و بعد به فیلمساز اروپایی گفت: «مرا خنداندهی... خداوند به تو سلامتی عطا کند، روز کاری من به پایان رسیده و وقت خواب است... حالا با روحیه خوبی به خانه می روم.»

واقعیت این است که روسیه و ایران هر دو از سوی غربی ها در یک جبهه متخاصم جمع بسته می شوند و در ادبیات سیاسی غرب به هر دو کشور به عنوان تهدید نگریسته می شود.

دو همسایه؛ گاهی دور، گاهی نزدیک

ایران و روسیه دو کشور همسایه اما بدون مرز زمینی تا قبل از سال 1991 و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مرز خاکی 2 هزار کیلومتری با هم داشتند و اگر افغانستان دوران اشغال را هم به آن بیفزاییم این همجواری به 2 هزار و 500 کیلومتر می رسید اما حالا دیگر خبری از حدود و ثغور موسوم به مرز آهنین بین دو کشور نیست، زیرا 8 کشور حاصل از تجزیه اتحاد جماهیر شوروی حایل بین ما و روس ها شده اند؛ 5 کشور در آسیای مرکزی و 3 کشور در قفقاز.

این نگاه تا حدی درست است که حافظه ملی تاریخی و نخبگان ایرانی ها از روابط با اتحاد جماهیر شوروی و در دنباله آن روسیه فعلی، خاطره های زیبایی را ثبت نکرده است و همواره نگاهی احتیاط آمیز به روابط تهران- مسکو حاکم بوده، با این حال، روابط یادشده با تمام فراز و فرودهای آن، ناگزیر و در مقاطعی ضروری بوده است.

برخی کارشناسان روابط ایران و روسیه، نوع نگاه همراه با تردید و احتیاط آمیز ایرانی ها به روس ها را ناشی از عملکرد تاریخی همسایه شمالی در ادوار مختلف تاریخی می دانند؛ از بدعهدی ها، تناقضات رفتاری و معیارهای دوگانه گرفته تا دخالت و حضور نظامی روسیه در خاک ایران.

به عنوان نمونه، می توان به شکست عباس میرزا شاهزاده قاجار در برابر روس ها در سال 1813 میلادی (1192 هجری شمسی) و تحمیل قراردادهای ننگین ترکمن چای و گلستان به ایران اشاره کرد که بخش هایی از خاک ایران را به امپراتوری تزاری الحاق کرد و روس ها علاوه بر آن، غرامتی 20 میلیون روبلی از ایران گرفتند.

گذری بر تاریخ روابط

می توان گفت که جنگ های ایران و روسیه اثرات عمیق اجتماعی و روانی در جامعه ایران بر جای گذاشت و ادبیات موسوم به «حسرت» را در فضای گفتمانی ما و روس ها در نگاه به روابط دوجانبه حاکم کرد؛ ادبیاتی که همواره از دست رفتن سرزمین های وسیع و رویای بازگشت آنها به سرزمین مادر را با بازخوانی این روابط یادآوری می کند. حضور نظامی در ایران یکی دیگر از پدیده های رفتاری روسیه است. پس از اشغال ایران در شهریور 1320، سه نیروی خارجی به بهانه این که ایران به دست آلمان ها نیفتد و آن کشور از طریق ایران به منابع نفتی قفقاز دست نیابد، خاک ایران را اشغال کردند.

آمریکا و انگلیس بعد از کنفرانس تهران، نیروهای خود را بیرون بردند، ولی اتحاد جماهیر شوروی ماند و حکومتی محلی در آذربایجان ایران به نام حزب دمکرات به رهبری پیشه وری برپا کرد، هر چند با شکایت ایران به شورای امنیت سازمان ملل و تهدید هسته ای آمریکا (آن طور که برخی منابع تاریخی می گویند)، روس ها از ایران خارج شدند و حکومت دست نشانده، برچیده شد.

در سال های 1986 و 1987 (1365 و 66 هجری شمسی) ایران و روسیه به دلیل رقابت با آمریکا و توسعه طلبی های آن در منطقه بیشتر خود را در کنار هم یافتند. تعداد زیادی از ناوهای آمریکایی بدون توجه به اصول و قواعد حاکم بر روابط بین الملل به خلیج فارس آمدند و روند همگرایی ایران و روسیه بر محور تهدید مشترک سرعت گرفت اما تاکنون روابط تهران و مسکو به جز همکاری هسته ای دو طرف در نیروگاه ناتمام بوشهر و همچنین برخی مواضع مشترک فی مابین به ویژه در تقابل با آمریکا، دارای نقاط عطف قابل توجهی نبوده است.

فضای جدید بین المللی و ضرورت همکاری

با این وجود و با لحاظ همه ملاحظات پیش گفته، فضای بین المللی فعلی، تهران و مسکو را به سمت همگرایی بیشتر و درک متقابل ناشی از تهدیدهای مشترک سوق می دهد.

اما روند تحولات چند ساله اخیر به ویژه بعد از بروز ناآرامی ها در دو حوزه حساس برای روس ها یعنی سوریه در مرکز تحولات خاورمیانه و اوکراین در حیات خلوت اروپای شرقی روسیه، مولفه های جدیدی را در پازل موازنه قدرت منطقه ای و جهانی و روابط بازیگران موثر وارد کرده است.

تقریباً در هیچ دوره ای بعد از جنگ سرد، مسکو شاهد این سطح از تنش با کشورهای غربی نبوده است، حتی در جریان انقلاب های مخملی و متعاقب آن تقابل تمام عیار نظامی و جنگ سال ۲۰۰۸ گرجستان که طی آن نیروهای اوستیایی و روس، کنترل کامل اوستیای جنوبی را به صورت دوفاکتو در دست گرفتند.

حالا اما، روند تحولات منطقه ای و بین المللی، دو کشور ایران و روسیه را بیش از هر زمان دیگری به یکدیگر نزدیک می کند تا در ائتلافی جدید و جدی تر از هر زمان دیگری، قواعد بازی بازیگران اصلی و میانی این تحولات با کارگردانی ایران و روسیه بر مبنای احترام متقابل تغییر کند.

صرفنظر از رقابت تاریخی روسیه با آمریکا به عنوان دشمن مشترک تهران و مسکو، ضرورت تحکیم روابط ایران و روسیه را در 4 محور زمینه ساز همگرایی دو کشور می توان دید:

1-تهدید مشترک تحریم های غربی

آمریکا و اتحادیه اروپا تاکنون چند دور تحریم های سیاسی و اقتصادی را علیه روسیه به دلیل بحران اوکراین اعلام و اعمال کرده اند. روسیه نیز به تلافی این تحریم ها تدابیر تنبیهی از جمله ممنوعیت واردات محصولات غذایی و میوه را از این کشورها مطرح کرده است.

سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا در نشست روز شنبه، 30 آگوست (8 شهریور) در بروکسل تصمیم گرفتند پیش از اعمال تحریم های سخت گیرانه اقتصادی علیه روسیه، یک هفته برای تنش زدایی در شرق اوکراین به مسکو وقت بدهند. رویارویی روسیه با اروپا و آمریکا به دلیل بحران اوکراین، بدترین رویارویی آنها بعد از پایان جنگ سرد در 1990 توصیف شده است.

اگر چه اعمال تحریم و از قرائت آمریکایی، «مجازات» های غربی علیه کشورهای متخاصم یا رقیب، ابزار متداول واشنگتن برای مهار سایرین به شمار می رود، اما بحران جاری اوکراین، می تواند زمینه درک مشترکی برای روسیه درباره تحریم های ضد ایرانی و ظالمانه غربی ها باشد. روسیه هم مانند ایران به دلیل مخالفت با توسعه طلبی های ناتو، تحت تحریم های شدید قرار گرفته است و روزی نیست که در رسانه های غربی، سخن از تحریم های جدید علیه روسیه نباشد.

بحران اوکراین به عنوان محور جدید مواجهه غرب با روسیه، روابط مسکو با پایتخت های غربی را به تنش آلودترین وضعیت دچار کرده است؛ ناتو تحرکات خود را در بالتیک افزایش می دهد و از سوی دیگر، روس ها هشدار داده اند که دکترین امنیتی خود را تهاجمی تر از گذشته کنند.

تهدید روسیه درباره تغییر در دکترین امنیتی خود از جمله تجدید نظرهایی درباره برنامه اتمی نظامی آن نیز تلاشی در راستای بازدارندگی و ممانعت از دراز شدن دست و پای پیمان آتلانتیک شمالی در حوزه حیاتی روس ها یعنی اوراسیا است، اما روسیه، همزمان تصریح کرده است که به هر گام این سازمان آتلانتیکی با اقدامی مشابه پاسخ خواهد داد.

مسکو، دست کم در مواضع رسمی و اعلامی خود، انتظار زیادی از غربی ها ندارد و می گوید پیمان آتلانتیک شمالی باید به توافق بهبود روابط احترام بگذارد؛ توافقی که تصریح می کند ناتو نباید در اروپای شرقی توسعه یابد.

تنش در روابط روسیه و غرب به جایی رسیده است که منابع روسی از تغییر دکترین نظامی مسکو و تهاجمی تر شدن آن در تقابلی جدی با پیمان غربی ناتو به عنوان تشکیلات در راس تهدید کنندگان امنیت و منافع آن خبر می دهند.

با وجود اینکه روسیه تهدید کرده است که تحرکات غربی ها در بحران اوکراین می تواند منجر به بازنگری در برنامه اتمی نظامی این کشور در قالب تغییر دکترین نظامی آن شود، برنامه هسته ای ایران کاملاً صلح آمیز است. بنابراین، روس ها حالا کاملاً درک می کنند که تاکید بر حق مسلم و صلح آمیز نیازی به تحریم های «دردآور» ندارد. از این رو احساس می شود با تشدید تحریم های غربی علیه مسکو، سمپاتی ایرانی-روسی نیز در موضوع تحریم ها بیشتر شود.

دولت اوباما نیز تهدید کرده است با روسیه همان کاری را می کند که با ایران کرده است، بنابراین به نفع روسیه است که فرصت های تحریم شکن را کشف کند، و همکاری با ایران یکی از این فرصت ها است.

2-همکاری هسته ای

شاید یکی از دلایل تحریم های اخیر آمریکا علیه ایران همزمان با سفر محمد جواد ظریف وزیر خارجه کشورمان به روسیه، همین نگرانی غرب به ویژه آمریکا از شکل گیری ائتلاف و شراکتی بین تهران و مسکو بر مبنای مولفه های جدیدی باشد که حس همگرایی دو کشور همسایه را بیش از گذشته تقویت می کند.

برخی ناظران سیاسی بر این باورند که سفر اخیر وزیر خارجه کشورمان به مسکو و قراردادهای جدید ایران و روسیه برای تاسیس دو نیروگاه جدید هسته ای، خود، یکی از دلایل اعمال تحریم های ناگهانی جدید علیه ایران و هشدار از سوی واشنگتن به جمهوری اسلامی ایران درباره پیامدهای دور زدن 1+5 از سوی ایران با پررنگ کردن بازی یکی از اعضای این گروه یعنی روسیه و نادیده گرفتن سایر اعضا بود.

با این وجود، عقلانیت حکم می کند که ایران به گزینه های جدید در صورت شکست مذاکرات با غرب فکر کند.

تحریم های اخیر آمریکا علیه ایران با وجود ادعای آمریکایی ها برای عدم اعمال تحریم تا امضای توافق جامع هسته ای و ضربه یکباره آمریکایی ها به توافق اولیه و برنامه اقدام مشترک مبتنی بر این توافق، از دید بسیاری از ناظران تحولات مرتبط با مذاکرات ایران و غرب، دور از انتظار بود، هر چند این اولین مورد عهدشکنی و مانع تراشی از سوی حاکمان کاخ سفید نبود و آخرین مورد نیز نخواهد بود، اما این اتفاق افتاد تا یک بار دیگر، عقلانیت به دستگاه دیپلماسی و سکناداران آن حکم کند که همه تخم مرغ ها را در یک سبد نگذارند و به بازیگران موثر دیگری در صورت کارشکنی های بعدی اینچینی از سوی غرب به ویژه آمریکا فکر کنند.

3- اختلاف قرائت ها از مسائل حقوق بشر با غرب

یکی از مسائل اختلافی ایران و روسیه با غرب، موضوع حقوق بشر است؛ موضوعی که غرب تلاش می کند از آن با قرائت خود از مسائل و مباحثات حقوق بشری، به عنوان ابزار فشاری علیه سایر کشورهای متخاصم استفاده کند.

گزارش های نوبه ای فرستادگان حقوق بشر درباره وضعیت حقوق بشر در کشورهایی مانند ایران و روسیه، گویای تفاوت خوانش غرب درباره حقوق بشر و همزمان، استفاده از این تفاوت معیاری به عنوان ابزار و اهرم فشار بر کشورهایی است که از حیث سیاسی اختلاف نظرهایی با غرب به ویژه آمریکا دارند. تقریباً بر همه مسجل است که آمریکا در موضوع حقوق بشر هم مانند تحریم های مرتبط با برنامه هسته ای، ظالمانه و دوگانه عمل می کند.

به هر حال، صرفنظر از اینکه خود آمریکا دارای پرونده ای مملو از موارد نقض خطرناک حقوق بشر و نسل کشی است، کشورهایی مانند عربستان سعودی و سایر همپیمانان اصلی غرب در خاورمیانه، مردم خود را از حقوق اولیه نیز محروم می کنند و با این وجود، واشنگتن ترجیح می دهد که در این باره تغافل پیشه کند.

از این رو، اعمال فشارهای حقوق بشری از سوی غرب علیه ایران و روسیه با اهداف سیاسی دنبال می شود. تهران و مسکو در این مورد هم با یکدیگر همگرایی دارند و این موضوع می تواند زمینه همگرایی های بیشتر در روابط دو کشور را در برابر اعمال فشارهای غربی فراهم کند.

از مسائل حقوق بشری جاری در حوزه امنیتی خود روس ها (مانند موضوع پناهندگان اوکراینی و غفلت غرب از وضعیت آنها یا کشتار ساکنان شرق اوکراین به دست نیروهای ارتش) که بگذریم، موارد تفاهم دیگری نیز در نگاه ایران و روسیه به حقوق بشر در مقایسه با رویکردهای کشورهای غربی وجود دارد.

به عنوان مثال، اخیراً، مسکو انتقاد غرب از ممنوعیت تبلیغ همجنس بازی در روسیه را بی اساس خواند.

کنستانتین دولگوف نماینده تام الاختیار وزارت امور خارجه روسیه در مسائل حقوق بشر، انتقاد های غرب در مورد قانون ممنوعیت تبلیغ همجنس بازی در روسیه را بی اساس نامید و گفت: کشورهای غربی ضمن انتقاد از این قانون تلاش می کنند اجرای تعهدات اعلام نشده را به روسیه تحمیل کنند.

مجلس دومای روسیه قانون مجازات تبلیغ جنسی از جمله از طریق رسانه های گروهی و اینترنت را به تصویب رسانده است که طبق آن مجازات چنین تخلفاتی، پرداخت تا یک میلیون روبل (تقریباً 33 هزار دلار) جریمه است.

کشورهای غربی، این بار قانون مجازات تبلیغات مربوط به همجنسگرایان را بهانه جنجال رسانه ای علیه مسکو قرار داده اند.

4- تروریسم، تهدید مشترک ایران و روسیه

به جرات می توان گفت که ایران، روسیه و کشورهای خاورمیانه بیش از کشورهای غربی، قربانی مساله تروریسم هستند و متحمل خسارت های سنگین تری شده اند.

در سال های گذشته، ایران و برخی کشورهای منطقه مانند عراق و سوریه بیش از همه کشورهای دیگر منطقه و جهان در معرض اقدامات تروریستی قرار گرفته اند؛ اقداماتی که گاه مانند موضوع ترور دانشمندان هسته ای، سازمان یافته و باهمکاری دستگاه های اطلاعاتی غربی و صهیونیستی انجام شده و در چند سال گذشته نیز، جریان تکفیری همسو با منافع غرب، اضلاع مقاومت را هدف قرار داده است.

در این مساله نمی توان تردید کرد که روسیه به ویژه در موضوع فعالیت های تروریستی اخیر علیه بشار اسد در سوریه با مدیریت غربی و اجرای جریان های تکفیری، همکاری تمام و کمالی با جبهه مقاومت داشته است.

روسیه خود نیز یکی از قربانیان افراط گرایی های چند ساله اخیر بوده است؛ از درگیری های چچن گرفته تا بمبگذاری های مکرر در متروهای اصلی آن و همچنین فعالیت جریان های تکفیری وهابی در آسیای میانه و قفقاز.

در جدیدترین ویدیویی که شبکه العربیه سه روز پیش آن را منتشر کرد، شبه نظامیان گروه تروریستی داعش یک پیام ویدیویی را در اینترنت قرار دادند و روسیه را به آغاز جنگ در جمهوری چچن و در قفقاز تهدید کردند.

در این ویدیو یکی از شبه نظامیان از کابین خلبان جنگنده در فرودگاه نظامی تصرف شده طبقه در استان رقه سوریه سخن می گفت.

او اظهار داشت که شبه نظامیان قصد دارند «جمهوری چچن و قفقاز را با لطف خدا آزاد کنند». پیام ویدیویی همراه با زیرنویسی به زبان روسی بود.

ورود آمریکا به جنگ با داعش با وجود کشته شدن دو خبرنگار آمریکایی از نظر تحلیلگران با توجه به کارکرد داعش برای آمریکا در امتیازگیری از رقبا، جدی نیست و گفته می شود آمریکا به دنبال مهار داعش است نه از بین بردن کامل آن، وانگهی واشنگتن تا حد مقدور تلاش کرده است از ابزار داعش برای امتیازگیری های منطقه ای استفاده کند و اگر روزی هم به جنگ جدی علیه این گروه تروریستی وارد شود، باید گفت که تاریخ مصرف این جریان افراطی به اتمام رسیده است.

